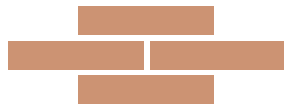




فرجام نگاه به بیرون در تحولات سیاسی معاصر

مهدی ابوطالبی

بررسی تحولات سیاسی در تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که هرگاه ایرانیان برای حل مشکلات خود نگاه به بیرون داشتند و به کشورها و دولت‌های خارجی به‌ویژه قدرت‌های بزرگ استکباری و استعماری تکیه کردند، نه تنها مشکل آن‌ها حل نشد بلکه همواره مشکلی بر مشکلاتشان افزوده شد؛ بالعکس هر زمان به نیروها و توان داخلی تکیه کردند توانستند مشکلات خود را حل کنند.



نگاه به بیرون در جنگ‌های ایران و روس

یکی از موارد نگاه به بیرون در جنگ‌های ایران و روس بود. وقتی روس‌ها در سال ۱۲۱۸ ق. به ایران حمله کردند، حکومت وقت قاجار دو بار با انعقاد قرارداد با انگلیسی‌ها سعی کرد با کمک مالی و نظامی آن‌ها، در مقابل روس‌ها از خود دفاع کند، اما در هر دو مرتبه انگلیسی‌ها خیانت کردند و کمک لازم را به ایران نکردند. حتی در زمان آتش‌بس در همین جنگ‌ها، وزیر خارجه ایران میرزا ابوالحسن خان ایلچی با همراهی سرگوراولی انگلیسی به مذاکره با روس‌ها رفت و نتیجه آن قراردادهای خیانت‌بار ترکمانچای و گلستان شد. در همین جنگ‌ها هنگامی که مردم با فتوای علما به صحنه میدان جنگ رفتند، ظرف چند هفته روس‌ها را از کشور بیرون کردند، هرچند ضعف فرماندهی و خیانت کشورهای فرانسه و انگلیس و عوامل دیگر موجب شکست ایران شد.^۱

نگاه به بیرون در نهضت عدالتخانه و انحراف آن به مشروطه غربی

در اواخر دوره قاجاریه به دلیل ستم ناشی از نظام حاکم و نفوذ برخی کشورهای غربی، نهضت عدالتخانه به رهبری علمای شیعه در تهران و دیگر نقاط ایران شکل گرفت. این نهضت به تعبیر کسروی رنگ و بوی مذهبی و بومی و شریعت‌طلبانه داشت. در تلگرافی که متحصنین حرم حضرت معصومه (س) در مهاجرت کبری به دربار فرستادند، اذعان کردند که به دنبال اجرای احکام اسلامی و تدبیر امور دولتی بر اساس قوانین شرع مقدس و کوتاه کردن دست بیگانگان و فرنگی‌مآبان^۲ از امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این کشور هستند. در همین ایام برخی از افراد ساده‌دل و ناآگاه به تحریک روشنفکران غریزه و عوامل انگلیس، به خیال پشتیبانی انگلیسی‌ها، تحصنی را در حمایت از مهاجرت کبری در سفارت انگلستان شکل دادند:

مع‌الاسف درست هم‌زمان با مهاجرت علما به قم، با کارگردانی اعضای سفارت انگلیس (مستر چرچیل و مستر گرانت داف) ... طرح کشاندن آزادی خواهان استبدادگزیده و عدالت‌خواه اما ساده‌دل و غافل (و بعضاً نیز ارادل و اوباش و عناصر شکم‌باره) به سفارت انگلیس در تهران ریخته شد.^۳ جالب این است که مقامات انگلیسی در برخورد های حضوری و مراسلات

رسمی دیپلماتیکشان با دولت ایران و روس تزاری، همه جا به «سیاست بی‌طرفی»! تظاهر می‌کردند، اما در عمل، عمل سفارت انگلیس در ایران، چه در داخل سفارت و چه در خارج آن، همگی برای فریب آزادی خواهان و ایجاد انحراف در خط اصیل اسلامی-مردمی قیام و کشاندن آن به خطوط بدلی استعماری و غیراسلامی (اما مردمی نمایانه) بسیج شده بودند و به طور هماهنگ (آن هم نه چندان پنهان!) فعالیت می‌کردند.^۴ سخن مخبرالسلطنه از درباریان حاضر در جریان نهضت عدالتخانه مؤید این مطلب است. وی درباره موضع انگلیسی‌ها راجع به تحصن مردم در سفارت می‌نویسد:

سفیر انگلیس در مقابل درخواست عده‌ای از مردم که خواهان تحصن بودند در ظاهر اظهار عدم موافقت کرده، باطنا مساعدت داشت.^۵

مؤید دیگر، مطلبی است که در کتاب‌های تاریخی درباره مستر چرچیل دبیر کهنه کار امور شرقی سفارت انگلیس-آمده است که وی که با زبان و خط فارسی به خوبی آشنا بود هنگام مهاجرت علمای تهران به قم، به عنوان آخوند طالقانی به قم رفته بود.^۶

تبدیل عدالتخانه بومی و مذهبی به مشروطه سکولار غربی

نخستین نتیجه تحصن در سفارت انگلیس، تبدیل خواسته بومی و دینی مردم یعنی تأسیس عدالتخانه به مشروطه غربی بود. بر اساس اسناد تاریخی در طول نهضت عدالتخانه، بحث مشروطیت به عنوان خواسته مردم ایران نخستین بار در تجمعات مردم در محوطه سفارت انگلیس مطرح شد. شیخ ضیاءالدین دری، مدرس فلسفه و مدیر یکی از مدارس تهران، که ناظر حوادث صدر مشروطه بوده است، با اشاره به تحصن سفارت انگلیس می‌نویسد: تا زمان تحصن مزبور، سخن از مشروطه در میان نبود و این کلمه را کسی نمی‌دانست! فقط مشروطه را به مردم تهران، اهل سفارت القا کردند!

وی در تفصیل این مطلب به حضور کالسکه خانم شارژدافر به درب سفارت اشاره می‌کند که از تعدادی از حضار سؤال کرده بود: شما برای چه به این جا آمده‌اید؟ یک نفر روضه‌خوان گفته بود: ما آمده‌ایم این جا یک مجلس عدالت می‌خواهیم. خانم گفته بود: نمی‌دانم مجلس عدالت چیست؟ روضه‌خوان گفت: یک مجلسی که دانشمندان، ریش سفیدانمان

پیامدهای نفوذ انگلیس و عناصر آن در این نهضت، جلوگیری از هم‌زمانی افتتاح مجلس شورا با مناسبت‌های مذهبی بود. قرار بود مراسم افتتاح مجلس شورا - طبق نطق رسمی مظفرالدین شاه - در روز نیمه شعبان یعنی روز ولادت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت گیرد، اما از سوی همان قماش افراد، سه روز به تأخیر انداخته شد تا نظام جدید، در مبدأ تکوین خویش، از هرگونه ارتباط و اتصال با مآثر دینی و شعائر مذهبی به دور باشد.



تحصن در سفارت انگلیس

عنوان مجلس حذف و جای خود را به عنوان «ملی» داد.^{۱۰} ناظم الاسلام کرمانی در این باره می‌نویسد:

مشهور شده است تلگرافی از لندن برای شارژدافر مخابره شده است، قریب به این مضمون: انجام مقاصد مشروعه! متخصصین را از دولت ایران بخواهید... لذا تجار چند نفر از رؤسا را فرستادند قلهک که مزرعه و ده بیلاقی سفارتخانه است، و از آن جا با شارژدافر رفتند منزل صدراعظم و مذاکره کردند و قرار شد دو دستخط سابق را تغییر دهند و مضامین هر دو را در یک دستخط بنویسند و نیز در دستخط که «مجلس شورای اسلامی» نوشته‌اند باید به این عبارت «مجلس شورای ملی» تبدیل شود.^{۱۱}

شهید شیخ فضل‌الله نوری یکی از نخستین گام‌های انحرافی در نهضت عدالتخانه را همین مسأله دانسته و در لایحه ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ ق. که در ایام تحصن ایشان در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) منتشر شد می‌نویسد: همین که مذاکرات مجلس شروع شد و عناوین دائر به اصل مشروطیت و حدود آن در میان آمد، از اثنای نطق‌ها و لوایح و جرایده، اموری به ظهور رسید که هیچ کس منتظر نبود و زایدالوصف مایه وحشت و حیرت رؤسای روحانی و ائمه جماعت و قاطبه مقدسین و متدینین شد. از آن جمله در منشور سلطانی که نوشته مجلس شورای ملی اسلامی دادیم، لفظ اسلامی گم شد و رفت که این فقره سند صحیح دارد، عدالتحاجه مذکور و مشهود می‌شود.^{۱۲}

انتخاب فرنگی‌مآبان برای تدوین قانون

پیامد دیگر به دنبال انحراف نهضت از مسیر اصلی و نگاه بومی و دینی آن، انتخاب روشنفکران غریزه و کسانی برای تدوین پیش‌نویس

بنشینند نگذارند حکام و سلاطین به ما ظلم کنند. خانم گفت: پس شما یقین مشروطه می‌خواهید. به تعبیر دری، این اولین بار بود که لفظ مشروطه از دهان خانم انگلیسی شنیده شد. دری می‌نویسد: طولی نکشید که یکی فریاد می‌کرد ما مشربه می‌خواهیم، یکی فریاد می‌کرد ما شرطه می‌خواهیم و آن فرد هم فریاد می‌زد: بگوئید آن چه را خانم گفت؛ مشروطه می‌خواهیم.^۶

یحیی دولت‌آبادی نیز در تأیید این نکته که در محوطه سفارت، انگلیسی‌ها به دنبال القای مطالب خاصی به متخصصین بودند، می‌نویسد:

این جا لازم است به یک مطلب مهم اشاره نمایم و آن نظریات سیاسی انگلیسیان است در این درجه همراهی با متخصصین و دادن دستورات خصوصی به آنها، مخصوصاً در این موضوع که اختیارات شاه باید محدود گردد.^۷

مسیو ب. نیکیتین، از عوامل کنسولگری روسیه در شهرهای ایران، با اشاره به حضور مردم معترض ایران در باغ سفارت انگلیس می‌نویسد:

ماژور S آتاشه نظامی سفارت هم در میان پناهندگان می‌گردید و از آن‌ها می‌پرسید: آیا شما مشروطه می‌خواهید؟ چنین نیست؟ خلاصه اسم شب این‌طور بود و به زودی هواخواهان مشروطیت را به دور آن جمع کرد.^۸

نقشه طراحی شده مزبور چنان مزورانه و سریع صورت گرفت که به زودی شعار اسلامی، شفاف و ریشه‌دار «عدالتخانه»، به شعار وارداتی چندپهلوی و متشابه «مشروطه» تغییر نام داد. عناصر مرموز همچنین به یاری کاردار سفارت، مستر گرانت داف، در دستخط شاه محضرمینی بر اجازه تأسیس مجلس شورای اسلامی دست برده و درست در بجهت باردهی درخت نهضت عدالتخانه، زمینه را به گونه‌ای چیدند که دستخط جدیدی صادر گردید و ضمن آن، قید «اسلامی» برای همیشه در دوران مشروطه، از



تقی‌زاده

قانون اساسی بود که تعلقات فرنگی‌مآبی و در مواردی ماسونی داشتند. افرادی چون سعدالدوله، تقی‌زاده، متشمارالدوله و ... اوژن اوبن، سفیر فرانسه، از سعدالدوله به عنوان شخصی «بسیار اروپا‌زده» یاد می‌کند که خیلی خوب فرانسه صحبت می‌کرد و ... در مجلس جدید نماینده افکار رادیکال و افراطی بود.^{۱۳} والتر اسمارت، از اعضای سفارت انگلیس، نیز درباره تقی‌زاده می‌نویسد: وی «نظریات مترقیانه‌ای دارد که با افکار اروپایی و عقاید سوسیالیستی، متجانس است.»^{۱۴} به همین دلیل هم نظام‌نامه انتخابات و قانون اساسی مشروطه بر اساس قوانینی اروپایی نوشته شد و این تقلید ظاهری و سطحی مشکلاتی را پدید آورد. مخبرالسلطنه هدایت در این باره می‌نویسد:

متأسفانه به حکم عادت سیاسی، قانون اساسی بلژیک را مصدر قرارداده‌اند که بر اساس فرانسه بود. مردم فرانسه آتشی مزاج، همان قانون کنستیتوان را هم مجرا نکردند. کنوانسیون سابق را از ریشه برآورده، اوباش غلبه کردند و خرابی‌ها به بار آوردند و ما همان رشته را دنبال کردیم ... تندروی‌ها و بلهوسی‌ها ما را از جاده صلاح بیرون برد، به مقصد نرسیدیم.^{۱۵}

به همین دلیل شاهد مشکلات فراوان دینی و ... در متمم قانون اساسی دوره مشروطه هستیم که موجب اعتراض علما شده و اصلاح آن منجر به اضافه کردن اصل دوم متمم توسط شیخ فضل‌الله نوری مبنی بر نظارت فقها بر قوانین و مصوبات مجلس شورا شد که البته عملاً این اصل مورد توجه جدی قرار نگرفت.

در همان زمان تدوین و تصویب این اصل، مخالفت‌های زیادی با این اصل و سایر اصلاحات شد. ترس مشروطه‌خواهان سکولار از این اصل تا حدی بود که وقتی مرتضی‌قلی‌خان مؤید الممالک مدیر روزنامه «صبح صادق» در تاریخ ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ در شماره ۴۸ این روزنامه اقدام به انتشار این اصل نمود، به تحریک طرفداران «آزادی قلم» روزنامه فوق غارت شد و اموال آن به بغم‌ا رفت و مدیر روزنامه را با

تهدید و ارباب و با استفاده از ضعف شخصی‌اش، به نوشتن یادداشتی تحت عنوان «اعتذار» و اظهار «عدم اطلاع» از درج آن اصل در روزنامه و ساقط و باطل ساختن شماره ۴۸ روزنامه و انتشار مجدد روزنامه با همین شماره بر خلاف محتوای قبلی، مجبور کردند.^{۱۶}

از جمله مخالفت‌های انجام شده با این اصل، اقدامات تقی‌زاده و برخی دیگر از نمایندگان آذربایجان نسبت به تأخیر در طرح آن در مجلس، تأکید بر لزوم قرائت مجدد در کمیسیون، اعلام عدم‌صلاحیت این طرح جهت پذیرفته‌شدن در مجلس و فشار مشروطه‌خواهان تبریز به‌ویژه انجمن ملی تبریز بر تعجیل در تصویب قانون و حتی تغییر متن پیشنهادی شیخ بود.^{۱۷} لذا نمایندگان فرنگی‌مآب، به دنبال این مسأله بودند که به هر نحوی شده از این اصل رهایی یابند، حال یا به نحوی آن را حذف کرده یا تغییر دهند و یا کاری کنند که اجرای آن در عمل با مشکل روبرو شود. بیان کسروی مبنی بر این که آزادیخواهان تبریز به دنبال تصویب قانون مشروطه اروپایی بودند، مؤیدی است بر این که برای تحقق نظر خود، مانع اجرای این اصل شوند:

«راست است که آزادیخواهان تبریز، دلبرانه «قانون مشروطه اروپایی» را می‌خواستند...»^{۱۸}

زیرا تحقق قانون مشروطه اروپایی با وجود اصلاحات علما ممکن نخواهد بود. عملکرد مخالفان این اصل به گونه‌ای بود که حتی سر اسپرینگ رایس، وزیر مختار انگلیس در تهران، نیز فهمیده بود که تصویب این اصل، ظاهری است و آن‌ها در عمل به آن پایبند نخواهند بود، وی می‌گوید:

«آزادیخواهان می‌دانند که دست کم تا چند سالی نمی‌توانند علناً خصم را مورد حمله قرار دهند؛ از این رو امتیازات بزرگی به روحانیون داده‌اند... بدیهی است به محض این که آزادیخواهان زمام امور را به دست بگیرند، این ماده کهنه‌پرستانه به طور دائم در حال تعلیق قرار خواهد گرفت.»^{۱۹}

وقایع سال‌های بعد نیز تصدیقی بر این نظریه بود؛ چرا که در مراحل و دوره‌های مختلف مجلس با این اصل به طور جدی برخورد نشد و عملاً ناکام ماند.

اشتباه مصدق آن بود که برای مقابله با دو قدرت سنتی انگلیس و روسیه، به قدرت سوم یعنی امریکا گرایش یافت. مصدق حتی آن قدر خوش خیال و خوش بین بود که به «آیزنهاور» نامه نوشت و از او درخواست کمک کرد! او در نامه خود چنین می‌نویسد:

«ملت ایران امیدوار است که با کمک و مساعدت حکومت آمریکا موانع به‌وجود آمده در کار فروش نفت ایران برطرف گردیده و چنان چه حکومت آمریکا قادر نیست چنین موانعی را مرتفع سازد، می‌تواند کمک‌های اقتصادی را در اختیار ایران قرار دهد تا این کشور بتواند سایر منابع طبیعی خود را مورد بهره‌برداری قرار دهد



نفت ایران می‌توانست سرآغازی برای وقوع حرکت‌های استقلال‌خواهی در سراسر دنیا (استقلال نفتی و در پی آن استقلال اقتصادی سایر کشورهای نفت‌خیز) باشد و منافع آمریکا و دیگر استعمارگران در سراسر دنیا را تهدید می‌کرد. مصدق درصدد بود تا با کمک آمریکا به نوعی مشکلات داخلی خود را که در اثر تحریم‌های یکجانبه انگلیس به وجود آمده بود برطرف و مشکلات ناشی از به فروش نرفتن نفت ایران را حل کند. اشتباه مصدق این بود که برای مقابله با دو قدرت سنتی انگلیس و روسیه، به قدرت سوم یعنی آمریکا گرایش یافت. وی آن قدر خوش‌خیال و خوش‌بین بود که به «ایزنهاور» نامه نوشت و از او درخواست کمک کرد! وی در نامه خود چنین می‌نویسد:

«ملت ایران امیدوار است که با کمک و مساعدت حکومت آمریکا موانع به‌وجود آمده در کار فروش نفت ایران برطرف گردیده و چنانچه حکومت آمریکا قادر نیست چنین موانعی را مرتفع سازد، می‌تواند کمک‌های اقتصادی را در اختیار ایران قرار دهد تا این کشور بتواند سایر منابع طبیعی خود را مورد بهره‌برداری قرار دهد. ایران، سوای نفت، منابع طبیعی دیگری نیز دارد که بهره‌برداری از آن‌ها به حل مشکلات آن کمک می‌نماید، لکن تحقق این منظور بدون کمک اقتصادی خارجی مقدور نیست. در خاتمه، توجه مساعد و مثبت آن جناب را به وضعیت خطرناک کنونی ایران جلب نموده و اطمینان دارم که جنابعالی نسبت به کلیه نکات این پیام توجه لازم مبذول خواهید داشت.»^{۳۳}

گرچه جواب دولت آمریکا به نامه مصدق منفی بود، وی گویا تا آخرین لحظات دولتش، همچنان به آمریکا امیدوار بود. اما مذاکره با آمریکا برای ایران سودی نداشت و این کشور درصدد براندازی نظام سیاسی منتخب مردم ایران و دولت مصدق برآمد. کشوری که مصدق به آن به چشم امید برای حل و فصل مشکلات داخلی می‌نگریست و از طریق آن به دنبال حل مشکلات ناشی از عدم تأمین بودجه و فروش نفت در بازارهای جهانی بود، از پرداخت وام به ایران در بسیاری از موارد طفره رفت. مصدق بارها از آمریکا درخواست کمک کرده بود و دفاع آمریکا از ایران در مقابل انگلیس و زیاده‌خواهی‌های آن را انتظار داشت. گفته می‌شود که آمریکا کمک‌هایی البته ناچیز به مصدق کرد ولی نه آن گونه که مصدق بتواند مشکلات داخلی خود را حل کند. آمریکا در کنار مذاکره با ایران برای حل ماجرا و به قول خود حل و فصل مسالمت‌آمیز ماجرا، البته در فکر



جلوگیری از نمادهای مذهبی

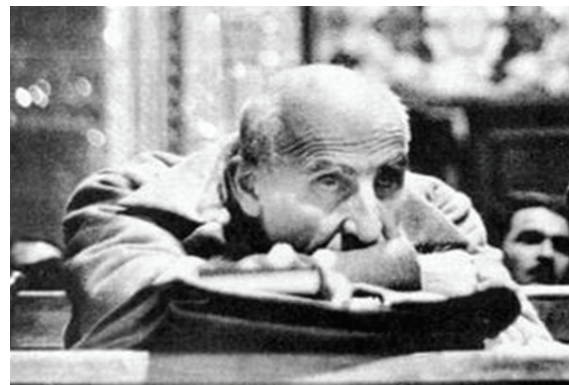
یکی دیگر از پیامدهای نفوذ انگلیس و عناصر آن در این نهضت، جلوگیری از هم‌زمانی افتتاح مجلس شورا با مناسبت‌های مذهبی بود. قرار بود مراسم افتتاح مجلس شورا طبق نطق رسمی مظفرالدین‌شاه در روز نیمه شعبان یعنی روز ولادت امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف صورت گیرد، اما از سوی همان قماش افراد، سه روز به تأخیر انداخته شد تا نظام جدید، در مبدأ تکوین خویش، از هرگونه ارتباط و اتصال با مآثر دینی و شعائر مذهبی به دور باشد.^{۳۴} محمد ترکمان در این باره می‌نویسد:

شیخ شهید از بنو ورود به تهران کوشید تا «حرکت» را در مجرای اسلامی هدایت کند؛ اما سفارت و عواملش و آلت دستان ناآگاه تمامی کوشش خود را در شکست «شیخ شهید» و پیروزی اهداف انگلستان به کار می‌بردند. آنان حتی در بدو امر از افتتاح رسمی مجلس در نیمه شعبان زادروز حضرت حجت (عج) که خواست مرحوم شیخ و علمای متشرع و مردم مسلمان بود جلوگیری نموده و گشایش مجلس را به روز ۱۸ شعبان موکول نمودند.^{۳۵}

نگاه به بیرون در نهضت ملی‌شدن صنعت نفت

نهضت ملی‌شدن صنعت نفت نهضتی بود که با وحدت بین تمام گروه‌های سیاسی ایران و با پیشنهاد و رهبری آیت‌الله کاشانی به عنوان رهبر مذهبی و تلاش‌های مصدق و برخی از نمایندگان مجلس و اعضای جبهه ملی به ثمر نشست و دست انگلیس را از نفت ایران کوتاه کرد. مصدق که در اردیبهشت ۱۳۳۰ به نخست‌وزیری ایران رسید، کم‌وبیش در جهت حفظ دستاورد ملی‌شدن صنعت نفت تلاش کرد. بعد از ملی‌شدن شرکت نفت ایران و انگلیس و تأیید آن توسط مجلسین ایران، دست بریتانیا از نفت ایران کوتاه شد و این کشور که دست خود را از این خوان یغما کوتاه می‌دید، درصدد بازگرداندن این فرصت از دست رفته برآمد. ترومن رئیس‌جمهور آمریکا سعی کرد در نقش میانجی بین ایران و انگلستان ظاهر شود تا موضوع بین دو طرف به‌گونه‌ای مسالمت‌آمیز حل و فصل شود. در این بین و از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ و وقوع کودتای ۲۸ مرداد دولت آمریکا از طرفی سعی کرد خود را طرفدار ایران نشان دهد و از سوی دیگر نمی‌خواست متحد قدیمی خویش یعنی انگلیس را از دست دهد. آمریکا به دنبال کاهش نفوذ سنتی انگلیس در ایران و افزایش نفوذ خود بود. موفقیت دولت ایران در کوتاه‌کردن دست دولت انگلیس از منابع





«هر ملتیی به آمریکا اعتماد کرد، ضربه خورد؛ حتی آن کسانی که دوست مصدق به آمریکایی‌ها اعتماد کردند... کتکش را [هم] خورد؛ حتی کسانی که با آمریکا میانه‌شان هم خوب بود و به آمریکا اعتماد کردند ضربه‌اش را خوردند.»

که رهبر انقلاب فرمودند: «هر ملتیی به آمریکا اعتماد کرد، ضربه خورد؛ حتی آن کسانی که دوست آمریکا بودند. حالا در کشور ما دکتر مصدق به آمریکایی‌ها اعتماد کرد؛ برای این که بتواند خود را از زیر فشار انگلیس‌ها نجات بدهد، به آمریکایی‌ها متوسل شد؛ آمریکایی‌ها به جای این که به دکتر مصدق که به آن‌ها حسن ظن پیدا کرده بود کمک کنند، با انگلیس‌ها همدست شدند، مأمور خودشان را فرستادند این‌جا و کودتای ۲۸ مرداد را راه انداختند. مصدق اعتماد کرد، کتکش را [هم] خورد؛ حتی کسانی که با آمریکا میانه‌شان هم خوب بود و به آمریکا اعتماد کردند، ضربه‌اش را خوردند.»^{۲۴} ایرانی‌ها همواره از نقش آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد سخن می‌گفته‌اند ولی در خرداد ۱۳۸۸ باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا برای اولین بار در جایگاه یک مقام رسمی از نقش سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) سخن گفت و به نقش این سازمان در سرنگونی دولت منتخب مردم ایران اعتراف کرد. همان‌طور که مقام معظم رهبری فرموده‌اند، «هر وقت که آمریکایی‌ها لبخندی به روی مسؤولین جمهوری اسلامی زدند، وقتی دقت کردیم، دیدیم خنجری در پشت سرشان مخفی کرده‌اند.»^{۲۵}

پی‌نوشت‌ها

۱. غلامحسین زرگری نژاد، رسائل مشروطیت، ص ۶۶.
۲. چنان که در متن تلگراف علمای شیراز به ولیعهد تصریح شده است. (ر.ک: محمد ناظم‌الاسلام کرمانی، پیشین، ج ۱، ص ۳۹۷-۳۹۶).
۳. علی ابوالحسنی، اندیشه سبز، زندگی سرخ؛ زمان و زندگی شیخ فضل‌الله نوری، ص ۱۱۶.
۴. همان، ص ۱۱۷-۱۱۶.
۵. مخبرالسلطنه هدایت، گزارش ایران، ص ۱۷۱.
۶. در این رابطه ر.ک: خان ملک ساسانی، دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، ص ۸۰ محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، ج ۷، ص ۴۰.
۷. علی ابوالحسنی، اندیشه سبز، زندگی سرخ؛ زمان و زندگی شیخ فضل‌الله نوری، ص ۱۱۸. به نقل از محمد حسن خراسانی (ادیب هروی)، تاریخ انقلاب طوس یا پیدایش مشروطیت ایران، ۱۳۷-۱۳۶.
۸. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۲، ص ۸۱.
۹. علی ابوالحسنی، پیشین، ص ۱۲۲.
۱۰. همان، ص ۱۲۳-۱۲۲.
۱۱. محمد ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۵۶۲-۵۶۱.
۱۲. محمد تر کمان، رسائل، اعلامیه‌ها و ... جلد ۱، ص ۲۶۲-۲۶۱.
۱۳. علی ابوالحسنی، پیشین، ص ۱۲۶.
۱۴. حسن معاصر، تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ص ۳۷۴.
۱۵. مخبرالسلطنه هدایت، خاطرات و خطرات، ص ۱۴۵.
۱۶. محمد تر کمان، رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات، ... و روزنامه شهید فضل‌الله نوری، ج ۱، ص ۱۴.
۱۷. احمد کسروی، همان، ص ۳۱۳ و ۳۱۸.
۱۸. کسروی، ص ۳۲۵.
۱۹. حسن معاصر، تاریخ استقرار مشروطیت، ج ۱، ص ۳۷۸ و ۳۷۹.
۲۰. علی ابوالحسنی، پیشین، ص ۱۲۸.
۲۱. محمد تر کمان، رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات، ... و روزنامه شهید فضل‌الله نوری، ج ۱، ص ۱۳.
۲۲. خوش بینی به آمریکا عامل زمین‌گیری مصدق: www.farsnews/423262/
۲۳. www.farsnews/59401/
۲۴. بیانات در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان در ۱۲ آبان ماه سال ۹۲.
۲۵. بیانات در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان سال ۱۳۸۸.